مکالمات

چیرگی گفتمان عوام‌گرایانه در ایران

سیدعلی محمودی

نه هر که چهره برافروخت، دلبری داند
نه هر که آیینه سازد، سکندری داند
نه هر که طرف کله کج نهاد و راست نشست
کلاهداری و آیین سروری داند

رخدادهای ایران در سال ۱۳۸۷ در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تصور است. آنچه می‌توان پیش‌بینی کرد، در این میان، شاید اندک‌شمار نباشد اما من می‌خواهم از رخدادی بنویسم که البته مربوط به سال نو نیست و پیشینه‌ای دراز دامن دارد؛ اما در دو سال اخیر، در عرصه‌های داخلی و روابط بین‌المللی ایران شدت و حدت گرفته است. این رویداد به نظر من گسست تدریجی گفتمانی در داخل کشور از یک سو و در روابط خارجی ما از سوی دیگر است. ادبیات سیاسی-اجتماعی ایران در قلمروی نظام حکومتی و به‌ویژه دولتی به شدت در حال تغییر است. این دگرگونی، آرام آرام، جامعه را نیز تحت تاثیر خود گرفته است. در یک نگاه گذرا، ویژگی‌های غالب گفتمان جدید رسمی ایران از این قرار است:

۱- رویایی و خیال‌پردازانه است.
۲- خودخواهانه، خودهمه‌انگارانه و افراطی (رادیکال) است.
۳- پرخاشگرانه، عتاب‌آمیز، آمرانه و در مواردی تحقیرکننده است.
۴- اغراق‌آمیز است (هم در مورد ایران و هم برخی کشورها)
۵- دستخوش پرگویی افراطی است.
۶- تناقض‌آمیز است (نابرخوردار از سازگاری و منطق درونی)
۷- در مواردی نامفهوم و آشفته است.
۸- دچار درآمیختگی میان «مواضع رسمی» و «مطالب تبلیغاتی و خطابی» است.
۹- با انگاره‌ها و مفهوم‌های مابعدالطبیعی (متافیزیکی) و عرفانی در دو سطح ملی و بین‌المللی، مخلوط و ممزوج شده است.
۱۰- از قیود علمی، محاسباتی، آماری (به وجه مستند و درست) و شاخص‌ها و استانداردهای جهانی، فاصله می‌گیرد؛ سطحی و ظاهرگرا است.
۱۱- گرایش به «ساده‌سازی» مفهوم‌ها و مقوله‌های پیچیده و بغرنج دارد.
۱۲- به کارگیری واژگان نظامی و جنگی، به صورت وسیع و چشمگیر.

می‌دانیم که داده‌های فراوان و مصداق‌های پرشمار در مورد هر شاخص و ویژگی، در رسانه‌های گروهی- که مواضع رسمی و غیررسمی را بازتاب می‌دهند- فراوان است. کافی است با پژوهشی میدانی، ذیل هر عنوان، داده‌های زیادی گردآوری شود تا به قول مهدی اخوان ثالث «تا که هرگز خردلی هم در دلی باقی نماند شک!» راه دیگر آن است که این گزاره‌ها در حد «فرض‌ها» (حدس‌ها) از سوی ناقدان «ابطال» شود تا صاحب این قلم به عینه دریابد که سخن ناسنجیده گفته و دعوی ناصواب به میان آورده است.

برداشت من این است که ویژگی‌های دوازده‌گانه بالا، علائم آشکار آشفتگی و تشتت در گفتمان ایران امروز است که پیش‌بینی می‌کنم در سال جدید نیز بر همین نمط در عرصه اندیشه‌ها و روان‌ها خواهد تاخت و ممکن است شتاب بیشتری بگیرد.

پیامد چنین مفاهمه‌ای (اگر بتوان اسم آن را مفاهمه گذاشت)، نافهمی، بدفهمی، سوءتفاهم، ایجاد فاصله، گسست، بالا رفتن دیوارهای بی‌اعتمادی و پایین آمدن سطوح کارآمدی و رضایت است. برای نمونه، اینکه گفته شود «همه فهمیده‌اند که امروز ایران قدرت اول جهان است» (اعتماد ملی، شنبه ۱۱ اسفند ۸۶)، «ایران باید خود را برای رهبری جهان آماده کند»، «ملت ایران یک قدرت بزرگ جهانی است و به اندازه همه قدرت‌ها وزن دارد»، «قدرت همه جهان یک طرف و قدرت ایران یک طرف-ایران اگر قدرتی بیشتر نداشته باشد، حداقل قدرتی برابر با قدرت همه جهان دارد» دقت کنید که این گونه گزاره‌ها در گفتمان جهانی و حتی در گفتمان ایرانی، گزاره‌هایی «نامفهوم» است و از مصادیق پاره‌ای از ویژگی‌هایی است که برشمردیم. اینکه به عنوان مثال، قطعنامه‌ای علیه نقض حقوق بشر در کانادا بنویسند و در سازمان ملل مطرح کنند و برای آن درخواست رای کنند و از میان تمامی کشورهای جهان، فقط دو کشور به آن رای مثبت بدهند، در منطق دیپلماتیک امروز جهان، کاری «غیرقابل فهم» و «غیرمتعارف» است. این موارد، مشت نمونه خروار است. من به شدت نگران تکرار این گونه اعمال در سال نو هستم. بی‌تعارف عرض می‌کنم-و از سر فروتنی و دردمندی-که سلوکی چنین، فرجامی جز هتک حرمت و حیثیت برای ایران ندارد. افزون بر اینکه بی‌حاصل و بی‌سرانجام است و به «منافع ملی» و «امنیت ملی» کشور آسیب می‌رساند؛ چنانکه تاکنون چنین کرده است. بنده مشکل بنیادین را در گسست تدریجی گفتمانی ایران در دو سطح ملی و بین‌المللی می‌دانم.

دانشگاهیان، نویسندگان، روشنفکران، اندیشه‌وران، عالمان مستقل دین‌شناسی، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و دیگر نخبگان فکری این سرزمین، در حد وسع و میدان و توان خویش، در ارتقا و تعمیق فرآیند آزادی، استقلال، دموکراسی، حقوق بشر و توسعه درون‌زا می‌کوشند و به راه دشوار خود ادامه می‌دهند.

من به آینده این فرآیند در ایران و برای ایران، در حال و آینده، با توجه به سرمایه‌های عظیمی که در اختیار داریم، بسیار امیدوارم و این مسیر درخشان را تنها گذرگاه نیل به آزادی، استقلال و پیشرفت در این سرزمین می‌دانم. باید فرآیند خردگرایانه، اخلاق مدارانه و دین‌گرایانه کنونی را با همت و تلاش و استقامت و پایمردی افزون‌تر، همراه با بردباری و شکیبایی، گام به گام پیمود. اما نگرانی، همه از «وضع موجود» در فهم رخدادها، سیاستگذاری‌ها، مواضع، راهکارها و پیمودن مسیر سیاست و دیپلماسی در چارچوب ساختار قدرت کنونی است.

سخن آخر من این است که ما مردم ایران می‌توانیم از تجربه‌های گذشته و حال پند و درس بگیریم و بکوشیم تا کشور در مسیر و مدار صحیح خویش قرار گیرد؛ فراموش نکنیم که «خواستن، توانستن است».

زیر آسمان های جهان

بررسی اصول حکمت متعالیه

ایسنا: سیدیحیی یثربی در کتاب تازه خود به بررسی اصول و مبانی و مسائل عمده حکمت متعالیه می‌پردازد.

یثربی که نوشتن کتابی را درباره ملاصدرا آغاز کرده است، گفت: محور کار بر سه موضوع متمرکز است؛ اول این‌که ملاصدرا در حوزه فلسفه چه نظریه‌پردازی‌هایی کرده است، دیگر آن‌که تعالیم و نظریات چه فیلسوفانی در گذشته زمینه‌ساز ایده‌های او شده‌اند و سومین محور این‌که ایده فلسفی ملاصدرا چه اثراتی در جامعه و متفکران بعد از خود بر جای گذاشته است.

او با بیان این‌که این کار تا تابستان به پایان می‌رسد، اظهار کرد: این اثر به سفارش معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی آماده می‌شود و اکنون در مراحل تحقیقی و فیش‌برداری است و از آنجایی که قبلا در این زمینه کار کرده بودم، منابع و مدارک شناخته شده‌اند؛ به همین دلیل سعی بر آن است که تا تابستان، کتاب را به ناشر تحویل دهم.

این اثر توسط انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی به بازار کتاب عرضه خواهد شد.

از این استاد فلسفه، پیش از این، کتاب‌های «فلسفه مشاء»، «از یقین تا یقین»، «عرفان نظری»، «عیار نقد» و «زبان شمس و زبانه مولانا» منتشر شده‌اند.

رونمایی کتاب «تحفه السلاطین»

شهر: رونمایی، نقد و بررسی کتاب «تحفه السلاطین» در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

شصت و چهارمین نشست مرکز پژوهشی میراث مکتوب با عنوان «چهره گشایی» در دانشکده الهیات برگزار می‌شود.

سخنرانان این نشست نجفقلی حبیبی، منوچهر صدوقی سها و احد فرامرز قراملکی (مصحح اثر) هستند.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب کتاب تحفه السلاطین (منطق فارسی) را با مشارکت دانشکده الهیات دانشگاه تهران منتشر کرده است.

این مراسم روز چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۷ ساعت ۱۶ تا ۱۸ در خیابان شهید مطهری، تقاطع خیابان مفتح و مطهری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تالار شهید مفتح برگزار می‌شود.

عکس: حجت سپهوند / اعتماد ملی

مخاطب‌شناسی ماهواره‌های فارسی زبان در گفت‌وگو با فردین علیخواه

مدارهای ارتباطی بر کدام پاشنه می‌چرخند

مجید یوسفی

فردین علیخواه، مدرس دانشگاه و استاد جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی و محقق حوزه‌های ارتباطی است. تحقیقاتی پیرامون پیامدهای اجتماعی فرهنگی شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران (با معرفی محتوای برنامه‌های این شبکه‌ها)، ماهواره در ایران: گذشته، حال، آینده، چرا برخی ایرانیان برنامه‌های ماهواره‌ای را تماشا می‌کنند؟ (مخاطب‌شناسی شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران) از جمله کارهای فارسی اوست. علیخواه عضو اصلی تیم پژوهشی‌ای است که از سال ۱۳۸۰ تاکنون هرساله پژوهشی با عنوان «الگوی استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران» را به صورت ملی اجرا می‌کند. او معتقد است درباره ماهواره آنقدر مطلب وجود دارد که موضوع هر یک از سوالات گفت‌وگو را می‌توان در مصاحبه‌ای مستقل مورد بررسی قرار داد، ولی از آنجا که درگیر مراحل نهایی رساله دکترای خود در رشته جامعه‌شناسی است، گفت‌وگوی کامل در این خصوص را به فرصتی دیگر موکول کرد.

برای آغاز بحث بفرمایید که هم اکنون آخرین وضعیت شبکه‌های تلویزیونی قابل دریافت در ایران چگونه است؟

طبق آخرین آمار سایت‌های معتبر مربوط به صنعت ماهواره می‌توان گفت که امروزه حدود ۹۰ ماهواره در جهان فعالیت می‌کنند که این تعداد ماهواره امواج حدود ۷۰۰۰ شبکه تلویزیونی را ارسال می‌کنند. از بین این ۹۰ ماهواره امواج حدود ۳۰ تا ۳۵ ماهواره آسمان کشورمان را پوشش می‌دهد. این تعداد ماهواره امواج حدود ۳۰۰۰ شبکه را بر آسمان ایران می‌افشانند. اگر شبکه‌های کارتی یا کد شده را از این تعداد شبکه کسر کنیم می‌توان گفت که در کل چیزی حدود ۱۷۰۰ شبکه کد نشده و به اصطلاح باز (free) در ایران قابل دریافت است. البته باید بگویم که تعداد شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای با سرعت زیادی در حال رشد است. برای مثال اولین شبکه فارسی زبان در سال ۱۳۷۵ تاسیس شد در حالی که هم اکنون این تعداد به حدود ۴۰ شبکه رسیده است. می‌توانم بگویم که به طور میانگین هر ساله ۵ شبکه به شبکه‌های فارسی زبان اضافه می‌شود.

هر پدیده جدید فناوری در بسترهای تئوریک هم جایگاهی دارد. ماهواره در کجای دیدگاه‌های نظری قرار می‌گیرد؟

برخی از نظریه‌پردازان، تلویزیون‌های ماهواره‌ای را-البته در پرانتز بگویم که در واقع رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای -در چارچوب موضوع رسانه‌های جدید (new media) و آثار (Impacts) آنها بررسی کرده‌اند. برخی هم بدون آنکه بین تلویزیون و ماهواره تفاوتی قائل شوند ماهواره را جزو خانواده تلویزیون محسوب کرده‌اند و مطالعات تلویزیون را به تلویزیون‌های ماهواره‌ای هم تسری داده‌اند. در اینجا برای مثال رفتار تماشا (watching behavior) یا بحث مخاطب‌شناسی (audience studies) در زمینه ماهواره هم قابل مطالعه و بررسی است با این سوال که آیا برای مثال مخاطب جهانی (global audience) شکل گرفته است یا خیر؟ آیا ماهواره، توانایی ایجاد اجتماعات مجازی (virtual community) را دارد؟ آیا در تماشای ماهواره هم ساعات اوج تماشا (peak viewing) وجود دارد؟

برخی از دانشمندان ارتباطات هم اساسا موضوع مستقلی در حوزه وسایل ارتباط جمعی تعریف کرده‌اند که با عناوینی همچون تلویزیون‌های فرامرزی (trans-borders television)، تلویزیون‌های جهانی (global Television)، تلویزیون‌های بین کشوری (trans-national Television)، تلویزیون‌های ماهواره‌ای (Satellite TVs) و تلویزیون‌های بین‌المللی (international TVs) شناخته شده است.

نکته دیگری که اشاره به آن لازم است آنکه در مباحثی هم که به موضوع جهانی شدن و پسامدرن مربوط می‌شود بحث شبکه‌های ماهواره‌ای و نقشی که در تغییر تعاریف زمان-مکان دارند به میان می‌آید. در این دیدگاه‌ها به ویژه نقش ماهواره در ایجاد تشابه فرهنگی یا مساله غربی‌سازی جهان بررسی می‌شود.

از نظر مخاطب‌شناسی معمولا در ایران چه شبکه‌ها و چه برنامه‌هایی بیننده بیشتری دارند؟ آیا از نظر مخاطب‌شناسی تغییراتی در سال‌های اخیر رخ داده است؟

نخست این را بگویم که مخاطبان فعلی ماهواره با مخاطبان سال‌های اولیه ورود این فناوری یکی نیست. سطح سواد رسانه‌ای مخاطبان فعلی بالاتر از مخاطبان اولیه است هر چند در مجموع چندان رضایت‌بخش نیست. منظورم آن است که در اوایل ما با مخاطب توده‌وار ماهواره‌ای (mass audience) طرف بودیم ولی هم اکنون مخاطبان برنامه‌های ماهواره‌ای کم کم حالت بخش بخش یا منفرد (segmented) می‌یابند. برای مثال اوایل کودکان از تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای نهی می‌شدند ولی امروزه ماهواره و شبکه‌های کودک آن جزو مامای کودک شده‌اند چرا که برای مثال در برنامه‌های صدا و سیما، برنامه کودک زمان مشخص و محدودی دارد ولی در آنجا ۲۴ ساعته برنامه کودک پخش می‌شود و یا ورزش دوستان برنامه‌های خود را دارند و موسیقی دوستان نیز برنامه‌های خودشان را دارند که گفتم همه اینها ۲۴ ساعته پخش می‌شوند.

ارزیابی کارشناسی من آن است که از نظر مخاطب‌شناسی و دلایل رجوع به ماهواره تفاوت زیادی بین مخاطب ایرانی با مخاطبان تلویزیون در سایر نقاط دنیا وجود ندارد. ایرانیان نیز عمدتا برای تماشای فیلم و سریال، موسیقی یا شوهای تلویزیونی و برنامه‌های تفریحی و سرگرمی که شامل ورزش هم می‌شود به سراغ ماهواره می‌روند. حتی به همین دلایل هم سراغ برنامه‌های صدا و سیما می‌روند. سایر موضوعاتی که از آنها به عنوان برنامه‌های اقلیت (minority programs) نام می‌برند عموما مربوط به مخاطب خاص است. درباره بخش اول سوالتان باید بگویم که در یکی دو سال اخیر میزان استقبال مخاطبان ایرانی از شبکه‌های کشورهای عربی بیشتر شده است. اگر تاریخ ورود ماهواره را به سه دوره پنج ساله تقسیم کنیم ارزیابی من آن است که در دوره اول شبکه‌های کشورهای ترکیه بیشترین بیننده، در دوره دوم شبکه‌های اروپایی متعلق به کشور آلمان و فرانسه و در دوره سوم شبکه‌های کشورهای عربی را داشت. البته توجه شود که حدود ۶۰ درصد برنامه‌های ماهواره‌ای کشورهای عربی آمریکایی است که با زیرنویس عربی پخش می‌شود.

فکر می‌کنید که چه زمینه‌های اجتماعی فرهنگی و حتی سیاسی موجب گرایش برخی مردم به شبکه‌های ماهواره‌ای می‌شود؟

این مساله را می‌توان با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی ایران و در کل روانشناسی اجتماعی ایرانیان تحلیل کرد. نخست آنکه ماهواره زمانی در ایران مطرح شد-یعنی اوایل دهه ۱۳۷۰-که کشورمان تازه جنگ را پشت سر گذاشته بود و جامعه در حال پوست‌اندازی بود. رفاه اقتصادی، ارتباط با جهان خارج، رنگ، شادی، مصرف، تبلیغات بازرگانی و مفاهیم دیگر به تدریج به زندگی روزمره تزریق می‌شد. پدیده ماهواره هم در این شرایط مورد استقبال قرار می‌گیرد، چرا که پدیده‌ای مدرن است که به راحتی در ادامه مفاهیم پیش گفته قرار می‌گیرد. نکته دیگر آنکه در این زمان جامعه از محدودیت‌های زمان جنگ که البته در زمان جنگ و در همه جای دنیا طبیعی است دور شده بود. ماهواره پنجره‌ای بود که مردم می‌خواستند از آن دنیا را ببینند. نکته دیگر آنکه به هر حال ماهواره یک فناوری جدید بود. انسان‌ها نسبت به فناوری جدید کنجکاوند و دوست دارند آن را تجربه کنند. مثل تلفن، رادیو، تلویزیون و تلفن همراه.

نکته سوم نحوه مواجهه نهادهای رسمی با این فناوری بود. با توجه به بحث تاریخی شکاف دولت-ملت در ایران که ارتباطی با حکومت مشخصی ندارد ممنوع کردن ماهواره تا اندازه‌ای میزان کنجکاوی عمومی را تشدید کرد. افکار عمومی تجربه ویدئو را در مقابل خود داشت. به عنوان نکته چهارم ماهواره موقعی ممنوع شد که بینندگان زیادی برنامه‌های آن را دیده بودند و به وضوح تفاوت برنامه‌های داخلی را با آن لمس کرده بودند.

نکته پنجم به ضعیف بودن رسانه‌های داخلی برمی‌گردد. صدا و سیما هم پس از جنگ در حال تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خاص دوره بازسازی بود. هنوز بین جنگ و پس از جنگ در کشاکش بود. در سال ۱۳۷۰ یعنی سالی که فناوری ماهواره‌ای وارد شد ما هنوز دو شبکه داشتیم و در هر هفته یک فیلم سینمایی پخش می‌شد. تقریبا ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب برنامه‌ها تمام می‌شد.

کشورهای مختلف برای مقابله یا مواجهه با ماهواره چه سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی را اتخاذ کرده‌اند؟ و کشورهای نزدیک به شرایط ایران چه سیاستی را اتخاذ کرده‌اند؟

با الهام از تقسیم‌بندی اون توماس (Owen Thomas) در این زمینه می‌توانم بگویم که چند سیاست قابل تفکیک است: سیاست محدود یا ممنوع‌سازی که به دو شکل فعال و غیرفعال وجود دارد، سیاست آزادی دسترسی، سیاست تعلل و به زبان ساده‌تر اهمال و در نهایت سیاست مشروط‌سازی. شاید بتوان گفت که در دنیای امروز کمتر کشوری سیاست ممنوع‌سازی فعال را پیش گرفته است. با توجه به شرایط کشورهای اسلامی می‌توانم بگویم که بیشتر کشورهای اسلامی بین دسترسی آزاد و ممنوعیت قرار می‌گیرند. یعنی با تدابیری تلاش کرده‌اند تا امکان استفاده مشروط یا کنترل شده شهروندانشان را از این فناوری فراهم کنند. کشورهای عربی در این زمینه سرمایه‌گذاری هنگفتی داشته‌اند و در جذب مخاطب هم موفق بوده‌اند. آنها حتی مخاطب ایرانی را هم ربوده‌اند.

تلویزیون‌های ماهواره‌ای معمولا چه آثار و پیامدهایی در پی دارند؟ آیا مطالعاتی در این زمینه انجام شده یا می‌شود؟

در اکثر کشورهای دنیا مطالعات بسیاری درباره ماهواره انجام می‌شود. حتی کشورهای عربی مراکزی تاسیس کرده‌اند که کار آنها بررسی آثار و پیامدهای شبکه‌های ماهواره‌ای است. ولی ما متاسفانه توجه بسیار اندکی به ماهواره و آثار آن داشته‌ایم. تعداد تحقیقات درباره آثار ماهواره به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد در حالی که به نظر من باید مراکز پژوهشی تاسیس شود و فقط به ماهواره بپردازند. اکثر کشورهای در حال توسعه و حتی برخی کشورهای اروپایی از منظر تئوری‌های امپریالیسم فرهنگی یا امپریالیسم رسانه‌ای و یا نظریه کاشت و یا آمریکایی شدن (Americanization) روش زندگی، به بررسی آثار ماهواره پرداخته‌اند. در زمینه آثار این شبکه‌ها بحث بسیار مفصل است و نیازمند مصاحبه مستقلی است. ولی در کل ورود شبکه‌های فرامرزی بر زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی تاثیرگذار است. در حوزه فرهنگ نگرانی از آمریکایی شدن زندگی در کشورهای پیرامونی وجود دارد آنچه که برخی از اندیشمندان معتقدند از نتایج جهانی شدن (Globalization) در نهایت آمریکایی شدن برخواهد خواست. در حوزه سیاست هم برخی معتقدند که تلویزیون‌های فرامرزی یا ماهواره‌ای به ویژه در کشورهایی با ساختارهای سیاسی بسته به وضعیتی منجر می‌شود که از آن به عنوان جامعه مدنی در آسمان (civil society on sky) نام می‌برند. یعنی با توجه به آنکه اپوزیسیون اینگونه کشورها امکان فعالیت در داخل را ندارد از سایر کشورها به پخش برنامه می‌پردازد و در برنامه‌های آنها همه افکار و جریان‌ها و فرقه‌ها حضور دارند. به بیانی در آسمان و از طریق به اصطلاح هوا (air) همه می‌توانند حرف بزنند ولی در زمین نه. این نظریه به همان اصطلاحی مرتبط می‌شود که با عنوان پیامدهای رسانه‌های جدید از آن یاد کردم. اینکه با ورود این رسانه امکان شکل‌گیری اجتماعات سیاسی مجازی (virtual community) ملیت‌های مجازی (virtual nationality) بیشتر می‌شود. البته باز هم می‌گویم که بیان آثار ماهواره از حوصله این مصاحبه خارج است.

ارزیابی شما از ماهواره‌های فارسی زبان ماهواره‌ای چیست؟ وضعیت بینندگان این شبکه‌ها چگونه است؟ آنها چقدر می‌توانند در جامعه ایرانی موثر باشند؟

بحث محتوای این شبکه‌ها و تاثیرشان جداست. در یک نگاه کلی از نظر محتوایی شبکه‌های فارسی زبان بسیار غیرحرفه‌ای و ضعیف هستند. برنامه‌های بیشتر این شبکه استودیو محور (studio-based) است و شاید بتوان برنامه‌های آنها را در مربع مجری یا به عبارت بهتر پاسخگوی تلفن، بیننده، آگهی و شو خلاصه کرد. ولی این شبکه‌ها هم مشکلات خودشان را دارند. به هر حال این شبکه‌ها خصوصی هستند و به علاوه به جای رقابت با یکدیگر هم بیشتر مشغول حسادت هستند. بیشتر این شبکه‌ها بخشی از وقت مخاطبان را در فحش، دشنام و ناسزا به یکدیگر هدر می‌دهند. در یکی دو سال اخیر ظهور شبکه‌های حرفه‌ای فارسی زبان اروپایی کار را برای شبکه‌های ضعیف سخت کرده است. شبکه‌هایی که علاوه بر پخش شو و یا کلیپ خوانندگان-که تقریبا همه شبکه‌های فارسی زبان با این نوع برنامه آنتن را پر می‌کنند-پخش فیلم‌های روز و برنامه‌های تفریحی و سرگرمی را آغاز کرده‌اند. ارزیابی کارشناسی من آن است که از بین ۴۰ شبکه فارسی زبان، زیر ۵ شبکه جزو شبکه آشیانه مخاطبان محسوب می‌شود.

به نظر من هر چند در سال‌های اخیر شبکه‌های ضعیف فارسی زبان بینندگان ایرانی را از دست داده‌اند ولی این وضعیت به تدریج رو به بهبود است؛ دلیل اصلی این بهبودی حضور گروه‌های مرجع در این شبکه‌هاست. حضور ورزشکاران مشهور، ایرانیان نخبه سایر کشورها، هنرمندان و دانشمندان در این شبکه‌ها بیشتر شده است. دلیل دیگر شرایط داخلی کشور است. این اصل کلی را بدانید که هر چقدر افراد نتوانند اندیشه‌ها و یا خواسته‌هایشان را از طریق مجاری داخلی بروز دهند به رسانه‌ها آن طرف متوسل خواهند شد. هر چه رسانه‌های داخلی بازتر باشند گرایش به آن طرف کمتر می‌شود. برای مثال این شبکه‌ها به طور وسیعی پذیرای نمایندگان جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، فعالان جنبش زنان هستند و به هر حال در کشورمان قشر تحصیلکرده و نخبه پیگیر این موضوعات است. در زمینه تاثیر این شبکه‌ها هم بگویم که به هر حال این شبکه‌ها باعث رشد انتظارات و خواسته‌های اجتماعی سیاسی جامعه می‌شوند. برای مثال اطلاع عمومی از جایی به نام دوبی قبل و بعد از وجود شبکه‌های فارسی قابل مقایسه نیست. این شبکه‌ها سبک زندگی سکولار، لذت‌جویی، ناسیونالیسم ضدعربی را اشاعه می‌دهند که البته به طور ویژه جای بحث دارد. ولی جدای از تاثیر شبکه‌های فارسی زبان درباره تاثیر ماهواره شواهد زیادی می‌توان ذکر کرد. من برای درس بررسی مسائل اجتماعی ایران به دانشجویانم گفتم که بروند و وضعیت مد زنان شهر را از طریق مصاحبه با صاحبان آرایشگاه‌های زنانه بررسی کنند. یکی از یافته‌های اصلی تحقیق آنها رواج مد یا آرایش عربی موسوم به خلیجی در بین زنان شهر بود. فکر می‌کنید ریشه این امر از کجاست؟ من نگاه مدیا دترمینیستی به پدیده‌ها ندارم ولی فکر می‌کنم که شکل و شمایل دختران و جوانان ایرانی با نگاه به جهت ال آن بی‌های دیش‌های ماهواره قابل پیش‌بینی است. زمانی ال آن بی‌ها به سمت ترکیه بود. جامعه ایران ترکیه زده شد. همه جا موسیقی ترکیه‌ای، مد ترکیه‌ای، عکس هنرپیشه‌های ترکیه روی دیوارهای اتاق نوجوانان نصب می‌شد. با آمدن سیستم دیجیتال و ماهواره هاتبرد، عصر مدهای اروپایی رسید. حالا هم بیشتر ال آن بی‌ها به سمت ماهواره‌های عربی است. اکثر ماشین‌هایی که جوانان در شهرهای بزرگ می‌رانند موسیقی عربی پخش می‌کنند. ظاهرا عصر امر دیاب و نانسی عجرم رسیده است! چرا نانسی عجرم برای ایرانیان وب سایت فارسی می‌زند؟ چرا برای ایرانیان کنسرت می‌گذارد؟ تاثیر ماهواره بر جوانان همین است.

آیا کشورهای منطقه هم در خصوص ماهواره دچار تنشها و نگرانی‌هایی هستند؟

هر متنی (Text) پیامی (massage) دارد. شبکه‌های ماهواره‌ای سراسر پیام‌اند. البته در کشورهای خاورمیانه هم نگرانی وجود دارد. آنان هم نگران فرهنگ بومی‌شان هستند. آنان هم نگران ضعف علایق دینی جوانان‌شان هستند. ولی آنان برای کم کردن این نگرانی‌ها کار می‌کنند. پول خرج می‌کنند. آنان با چنگ و دندان (منظورم خشونت نیست) مخاطب بومی را نگه می‌دارند. به جوان‌شان می‌گویند ما ۶۰ یا ۷۰ شبکه خارجی را که جزو بهترین شبکه‌هاست برایت به شکل دوبله شده و با سانسور اندک و منطقی پخش می‌کنیم. حال اگر با وجود این شبکه‌ها از آنتن‌های غیرقانونی استفاده کنی باید جریمه سنگینی بدهی. یکی از نظریه‌هایی که در خصوص استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای وجود دارد نظریه نزدیکی یا تشابه فرهنگی (cultural proximity) است که فکر کنم اشتروبار آن را مطرح کرده است. یعنی مخاطبان شبکه‌های ماهواره‌ای دنبال شبکه‌هایی می‌روند که با زمینه فرهنگی آنان تا اندازه‌ای قرابت داشته باشد. کشورهای عربی اینگونه شبکه‌ها را شناسایی کرده‌اند. من پیش‌بینی می‌کنم که در دهه آینده همان‌طور که زمانی محصولات بولیوود هند در منطقه حاکم بود محصولات رسانه‌ای کشورهای عربی حاکم شود. حتما می‌دانید که مدیر روابط عمومی گروه شبکه‌های MBC اعلام کرده است که این گروه به زودی شبکه‌ای فارسی زبان راه‌اندازی خواهد کرد که فیلم‌های روز آمریکایی را با دوبله فارسی پخش کند. شما بر حسب این اخبار می‌توانید آینده را هم پیش‌بینی کنید. به نظر من صدا و سیما باید بر اساس این اخبار سیاست‌های آینده‌نگرانه خود را تعریف کند.

آینده ماهواره را چگونه می‌بینید؟

با سیاست‌های رسانه‌ای و فرهنگی فعلی من معتقدم که گرایش شهروندان به ماهواره بیشتر خواهد شد. ما در سال‌های آینده شاهد شبکه‌های فارسی زبان خاص بینندگان اقلیت (minority programs) هم خواهیم بود. یعنی شبکه‌های فارسی زبان خاص کودکان، هنرمندان، جوانان، دوستداران موسیقی، علاقه‌مندان به سیاست و غیره. همچنین شبکه‌هایی که مخاطب خود را صرفا قومیت‌های خاص ایرانی تعریف کرده‌اند. یعنی شبکه‌هایی برای ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها. اگر ما کند پیش برویم مخاطب ایرانی از دست خواهد رفت. نکته دیگر آنکه در سال‌های آینده تاثیرات سیاسی ماهواره‌ها بیشتر خواهد شد. هم اکنون همه احزاب مخالف جمهوری اسلامی صاحب شبکه ماهواره‌ای هستند. فرض کنید فقط سه شبکه به اشاعه اندیشه‌های چپ مارکسیستی می‌پردازد. همه اقلیت‌های مذهبی و دینی- قانونی و غیرقانونی- و حتی دراویش دارای شبکه هستند. شبکه‌هایی که هر شهروند ایرانی با یک تلفن می‌تواند در آن حضور یافته و نقطه نظراتش را بگوید و حتی عضو آنها شود.

چنین وضعی موجب بروز بی‌هنجاری و آشفتگی اجتماعی-سیاسی نخواهد شد؟

من فکر می‌کنم که همه اینها به سیاست‌های فرهنگی بستگی دارد. اولا این مطالبی که من گفتم به معنای آن نیست که سیاست ممنوعیت لازم است اجرا شود. نه. باید سواد رسانه‌ای شهروندان را بالا برد. باید امکان انتخاب شبکه‌های سالم ماهواره برای شهروندان فراهم باشد. حال چطوری؛ مسوولان بنشینند و بررسی کنند. همکاران پژوهشگر من هم می‌توانند به آنها کمک کنند. شما فرض کنید که ما از اول آمدیم و به والدین گفتیم که ماهواره بد است نخرید. خب. برخی خانواده‌ها گوش نکردند. به هر حال پشت‌بام‌های شهر نشان می‌دهد که چقدر از خانواده‌ها ماهواره دارند. از آن هشدار جلوتر نیامدیم. نیامدیم بگوییم که حالا به این خانواده‌هایی که ماهواره دارند چه بگوییم. متاسفانه در بین خانواده‌ها در خصوص ماهواره شکاف اطلاعاتی یا آنچه درباره اینترنت به کار می‌برند یعنی شکاف دیجیتالی (Digital gap) وجود دارد. بسیاری از والدین نمی‌دانند که برای مثال مثلث زرد رنگ بالای برخی تصاویر یعنی چه؟ علامت خرگوش بالای تصاویر یعنی چه؟ و به دلیل ممنوعیت کسی هم در این مورد صحبت نمی‌کند. نتیجه قابل پیش‌بینی است. یا فکر کنید یکی از سیاست‌هایی که اجرا شد ارسال پارازیت بود. این پارازیت‌ها در طول روز که کودکان و نوجوانان در خانه هستند قطع می‌شود و زمانی که والدین به خانه می‌آیند یعنی عصر؛ ارسال آن آغاز می‌شود. در طول روز نوجوانان به راحتی می‌توانند به هر شبکه‌ای دسترسی داشته باشند! ولی این امکان برای والدین وجود ندارد. با آمدن آنها شبکه‌ها پارازیت می‌شود.

ماهواره زمانی در ایران مطرح شد که جامعه در حال پوست‌اندازی بود. رفاه اقتصادی، ارتباط با جهان خارج، رنگ، شادی و ... به زندگی روزمره تزریق می‌شد. پدیده ماهواره هم در این شرایط مورد استقبال قرار می‌گیرد.